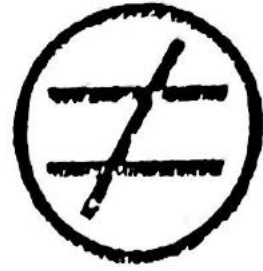


پایندہ ایران



بیمه وضع موجود با تأمین زندگی بهتر آینده

سند یکا

از دیدگاه ناسیونالیسم

نوشته:

دکتر محمد رضا امامی

از انتشارات حزب پان ایرانیست

www.iran-archive.com

بها ۲ ریال

این نشریه در ۱۰ هزار نسخه بتاريخ ۱۵ اردیبهشت ۱۳۴۷ بچاپ رسيد.

ارزیابی جدید

سندیکا که جمع متشکل عده‌یی است که از جهت‌ی تشابه و اشتراک منافع دارند، سازمانی است لازم، ولی هنگام آن رسیده است که مجدداً مورد ارزیابی قرار گیرد، ارزش حقیقی آن تعیین شود و مقاصد و در نتیجه سازمان آن تجدید گردد.

سندیکا از لحاظ تاریخی مولود مبارزات طبقاتی است. منظور از ایجاد سندیکا آن بوده که عده‌یور، که منافعیشان بوسیله عده‌دیگر تهدید می‌شده گردد، آیند و تشکل خود را وسیله اعمال قدرت (غالباً از طریق منفی، مانند اعتصاب) قرار دهند و بدین وسیله حقوقی برای خود تأمین نمایند.

عیب این نحوه ایجاد سندیکا، اینست که چون سندیکا حفظ موجودیت خود را آخرین هدف می‌پندارد بتدریج با تنخواذ تصدیقاتی مبارزت می‌کند که از کار مصاح عمومی خارج است و نیز در مقابل تحولات تکنیک که همیشه بِنفع اعضاء سندیکا ها نیست، مقاومت می‌ورزد.

در نظم ما وظیفه سندیکا تنها بِنفظ منافع منفی پایان نمی‌پذیرد، بلکه سندیکا وسیله سازمان دادن اعضاء خود در کار مصاح اقتصاد ملی است. سندیکا ها مرکزی برای افزودن بکیفیت فنی اعضاء خود و مرکزی برای تطبیق وضع موجود با تحولات آینده خواهد بود.

این تئوری در مورد سندیکا، ایجاب می‌کند که دولت نقش هدایت کننده در مورد سندیکا ها داشته باشد. مقصود از این هدایت آنست که طرح‌های آینده سیاست اقتصادی را تا جائیکه مربوط بسر نوشت آینده اعضاء یک سندیکا است برای آنان تشریح کند و آنها را برای انجام آن سازمان بدهد.

در این صورت دیگر سندیکا های متضاد مثل سندیکای کار

فرمایان و سندیکای کارگران در برابر هم مقاومت نخواهند کرد زیرا خط مشی کلی هر دو در یک مرکز که ناظر بر منافع کلی آنهاست تنظیم خواهند شد و عملیات آنان با تمام واحدهای اقتصادی هم آهنگی خواهد یافت .

این تفاوت در ارزیابی سندیکا سبب خواهد شد که دیگر هر سندیکا در پی آن نباشد که منافع را تنها بخود تخصیص دهد و در واقع نیروی هر یک از آنان در جهت خاصی اثر کند، بلکه سندیکاها وسیله عمومیت بخشیدن بدرك سیاست اقتصاد ملی خواهند شد و همه نیروهای موثر در اقتصاد را در یک جهت بسیج و هدایت خواهند کرد .

پیشرفت یا مقاومت

سندیکا از نظر حفظ منافع اعضای خود موسسه مفیدی میباشد و ای در عین حال دارای این عیب نیز هست که در صورت برخوردار بودن از قدرت در مقابل تحولات الزام آور مقاومت میورزد .

در طبیعت سندیکائی که بر روح فرد پرستی انکاء داشته باشد این خاصیت هست که همواره می خواهد از وضع موجود دفاع کند و تحولی را میپندیرد که در مسیر منافع اعضایش باشد و نه در مسیر ترقی و تکامل فن و تکنیک

در صورتیکه صنایع پیشرفته این زمان ودقایق امور تولیدی تغییرات سریع را ایجاب میکنند که در حد خود اجتناب ناهندیسر میباشد .

مثلا هم اکنون بسیاری از کارخانهها تا کزیر هستند دستگاههای خود را نوپوش میکنند و از دستگاههای خود کار جدید که دارای قدرت تولیدی چند برابر قدرت دستگاههای سابق است و باعده کارگر کمتری کار میکنند استفاده کنند .

سندیگاه‌های رایج الیستی غالباً در برابر چنین تغییراتی که ظاهر را
باخراج جسمی از کارگران همراه است مقاومت میکنند و مبارزه خود
را از زمانی آغاز می‌کنند که عده‌ای از کارگران را بیکاری تهدید
می‌کند

در این مرحله اگر گردانندگان تولید در برابر آنان تسلیم
شوند تاچار میشوند با همان وسائل کهنه بتولید خود ادامه دهند. در
این صورت پس از چندی این واحد تولیدی در برابر رقیب‌های مجهز
که دارای وسائل خودکار می‌باشند شکست خواهد خورد و تمام کارگران
محکوم به بیکاری خواهند شد

سندیگای ناسیونالیستی راست است که از منافع کارگران دفاع
میکند ولی این دفاع عمیق و اساسی است.

اگر دستگاہی که محکوم بزوال است چند روزی بزور سندیگا
حمایت و حفاظت شود، این عمل را نه میتوان دفاع واقعی از حقوق کارگران
و اعضاء سندیگادانست، بلکه این عمل در حکم بکار بردن داروی مسکنی
است که مرگ را چند روزی بتأخیر می‌اندازد ولی فرصت ممالجه اساسی
را نیز از بیه‌ار سلب می‌کند.

سندیگای ناسیونالیستی که با هدایت و ارشاد دولت رهبری می
شود باید در شرایط تحول و تکامل تکنیک از منافع کارگران دفاع کند.
تکامل تکنیک ایجاب میکند که دورشته از تحول و تکامل همواره در مد
نظر باشد.

۱- تحول و تکامل وسائل تولید باید همیشه در نظر داشته
باشیم که دستگاہ‌هاییکه امروز با آن کار می‌کنیم تا چندی دیگر، که
شاید بده سال نرسد، همگی فرسوده و غیر قابل استفاده خواهند شد و
دستگاہ‌های جدید اجباراً بکارگران کمتر ولی ورزیده‌تر نیازمند
است.

بنابراین دولت، هم آنک با سندیگاها، باید نظر خود را معطوف
بتوسعه صنایع نماید.

کارگران يك کارخانه نباید گمان کنند که وضع کارخانه برای سالهای متوالی می‌تواند ثابت بماند و آن‌ها نیز قادر خواهند بود با همین وسائل و ابزار برای همیشه بکار خود ادامه دهند. بلکه جهان فردا، شاید جهان کنونی، احتیاج بدولتها و سندیکاهائی دارد که کارفرمای خود را در کارگاههای جدیدتر، مدرن تر و تخصصی‌تری جستجو کنند

۲- تحول و تکامل نیروی انسانی- از طرف دیگر باید توجه داشته باشیم که هر کارگری که امروز بکار مشغول است باید بداند که دانش و مهارت او فقط بدرد امروز او می‌بخورد و برای کار فردا اگر کوشش جدیدی بکار نبرد، عنصر مساعده‌ی نخواهد بود.

سندیکاهای ناسیونالیستی باید دفاع از حقوق کارگران را بر- اساس واقعیت جدیدی قرار دهند و آن دفاع از تکامل مهارت و تخصص کارگر است.

اگر کیفیت کارگران دائما در حال ترقی نباشد، نه سندیکای کارگری و نه هیچ دستگاه مقتدری قادر به دفاع از منافع آنان نخواهد شد

بنابراین سندیکاهای ناسیونالیستی باید دو واقعیت بالایی یعنی تنبیر و وسایل تولید و لزوم تکامل نیروی انسانی را همیشه در نظر داشته باشند و دفاع از حقوق افراد خود را بر اساس این واقعیت‌ها قرار دهند. باید با کمال تأسف یا شادمانی اقرار کرد که دیگر زمان آن گونیه سندیکابازی که عده‌ای بدور هم جمع شوند و هر وقت خواستند یکی از آن‌ها را از کارخانه اخراج کنند اعتصاب کنند و با اینگونه مانورها بحق خود بر سندسپری شده است.

سندیکاهای جدید باید، باید توانایی جدیدی مجهز باشند که تناسب با تکامل تکنیک داشته باشند و مناسب با حالات توسعه سریع اقتصادی باشد

سندیکاهای جدید باید بکمک و ارشاد دولت (البته منظور دولت ناسیونالیست است زیرا دولتهای لیبرالیست این گونه کارهای اساسی

را وظیفه خود امیدانند.) بصورت کانون‌های آموزش و کانون‌های
تعاون و توسعه درآید که نه تنها بتواند از حقوق کارگران در
وضع موجود دفاع کند بلکه بتواند آن‌ها را برای استفاده از
شرایط فردانوز آماده سازد.

بیمه و تامین

تاکنون بزرگترین هدف سندیکاها بیمه بود ولی دیگر
تنها بیمه کافی نیست بلکه باید سخن از تامین بیمیان آورد.
سندیکاها می‌توانند بر اندیشه‌های ریشه گرفته از اندیوید آلیسم
(فردپرستی) هدف خود را بر بیمه اعضاء استوار نمایند. در
حالی که تکامل تکنیک و تکامل اقتصاد ایجاب می‌کند که در این
هدف تغییر اساسی حاصل شود و از این رو است که سندیکاها
ناسیونالیستی هدف خود را بر تامین قرار می‌دهند.

برای ملت یا فرد

قبل از آنکه به تشریح فرق بیمه و تامین پردازیم تذکر
نکنه دیگری را لازم میدانیم:
شاید به‌مناسبت از این‌که ما اساس فکری سندیکاها را
از اندیوید آلیسم و مکاتب لیبرالیستی میدانیم دچار تعجب شوند و
چنین گمان کنند که سندیکاها بر ریشه‌های اندیشه سوسیالیستی
استوار هستند و شاید باز چنین گمان کنند که سوسیالیسم طرز
تفکری است که در نقطه مقابل اندیوید آلیسم قرار گرفته
است.

چنین ایرادی اگر پیش آید بعلمت آنست که در بکار بردن اصطلاحات دقت کافی مبذول نگشته است. سوسیالیسم طرز فکر و یا مکتب مشخصی نیست که مفهوم دقیق و روشنی داشته باشد. سوابق تاریخی نشان داده است که جمعیت‌ها و گروه‌هایی با طرز فکر های کاملاً متفاوت و حتی متضاد خود را سوسیالیست نامیده‌اند. اصطلاحات اجتماعی بعضی دارای مفهوم بسیط و بعضی دارای مفهوم مرکب‌اند .

اصطلاحات بسیط آنهایی است که لااقل در نزد جماعت بسیار دارای مفهوم مشترکی است ولی اصطلاحات مرکب از آن کلماتی است که در نزدشوندگان مختلف مفهوم‌های گوناگون دارد و غالباً باید آن را بچند مفهوم بسیط تجزیه کرد تا قابل شناسایی باشد.

سوسیالیسم نیز دارای مفهوم مرکبی است .
از زمان لوریه و ربرت اوون تا عصر ما که کسانی دم از سوسیالیسم عربی میزنند، صدها گونه طرز فکر پدید آمده است که همه نام سوسیالیسم را بیدک می‌کشیده‌اند .
ولی اگر طرز فکر هر یک از این گروه‌ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم تفاوت‌های بسیار در آن‌ها می‌یابیم .
بنابراین چون سوسیالیسم ، باعتباریکه گفتیم ، مفهوم بسیطی ندارد ، نمیتوان شناخت مفهوم دیگری را بر آن منکی ساخت .

ممکن است اعضاء بعضی از سندیکاها ، باعتباری ، سوسیالیست شناخته شوند ولی این خصوصیت عمومیت ندارد و نمی‌توان گفت فکر تشکیل سندیکا و اندیشه های سوسیالیستی

بدلیل آنکه در عصر خاصی همزمان بوده اند ، بستگی الزام آوری دارند.

اما اگر ما میگوئیم سندیکاهاتاً به عصر ما از ریشه های فکری اندیویدالیستی ریشه گرفته اند مبتنی بر تعریف و اعتبار خاصی است .

هر شخص یا هر گروه در تامین منافع خود، واقعا و یا ظاهراً، مصلحت پیکره اجتماعی را که آن شخص یا گروه جزئی از آنست منظور نکند، از نظر ما اندیویدالیست می باشد.

واقعیت آن است که در جهان هر فرد وابسته به وجود ملتی است و هر گروه اجتماعی در تاروپود پیکر ملتی موجودیت دارد .

وجود ملت قوانین هستی خود را با صدها وسیله بر موجودیت هر فرد و یا هر سازمان و گروه اجتماعی جاری میسازد. پس اگر طرز فکری بر واقع بینی استوار باشد ، پیوند فرد و یا گروه اجتماعی را با ملت منظور میدارد و بدان میاندیشد. خارج از کادر واقعیت ، هر اندیشه و طرز تفکری وجود داشته باشد مبتنی بر قبول اصل دیگری است و این اصل همان فرد پرستی است که موجودیت منتزع شده فرد را اصالت می بخشد و موجب پدید آمدن مکاتب و هوم و غیر واقعی میگردد.

بنا بر این چه بسا مکاتب و سوسیالیستی هستند که در تحایل آن بر ریشه های اندیویدالیستی بر خورد می کنیم.

بهبارت دیگرمانگرش های اجتماعی را دو گونه بیشتر نمیشناسیم: یکی نگرش های واقع بینانه که رابطه فرد و گروه های اجتماعی را با موجودیت ملت انکار نمیکنند و قوانین کلی حیات

ملت را بر وجود افراد و سازمانها جاری می‌پندد و توصیه‌های آنان نیز بر اساس وجود همین رابطه کل به جزئی در مورد ملت با فرد و یا سازمان و یا گروه اجتماعی است.

دیگری، نگرشی است که رابطه ملت و افراد یا گروه‌های اجتماعی را نادیده می‌گیرد و برای فرد یا گروه اجتماعی مصلحتی و منفعتی جدای از مصلحت و منفعت ملت در نظر می‌آورد. بر هر یک از این دو نگرش گروهی از مکاتبهای سیاسی اجتماعی و اقتصادی استوارند.

گروه‌های اول بهر نام که باشد بر پایه‌های ناسیونالیسم بنیاد گرفته‌اند. و گروه‌های دوم 'بهر نام که باشد بر پایه‌های فردپرستی (اندیویدوآلیسم) بنیاد گرفته‌اند.

موجودیت سندیکا تا کنون، لااقل از لحاظ شکل ظاهری کار بر پایه فردپرستی استوار بوده است و چه بسا سندیکاهای منکر داشتن دید سیاسی میشوند و بدینوسیله اعتراف میکنند که ورای مسائل صنفی و گروهی نمی‌خواهند نگرشی داشته باشند.

در صورتیکه سندیکاهای ناسیونالیستی، باز آوردن مفهوم سندیکا به مرصه واقعیات و دور کردن آن از چنگال اندیشه‌های سودپرستانه میباشد.

سندیکای قادیم و بیهوده

اگر عملیات سندیکا‌های اندیویدوآلیستی را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم، هدفی که برای این عملیات می‌توانیم قائل شویم، بیمه شرایط موجود است و اگر از این حد فراتر روند در جهت کم کردن از مقدار کالا یا خدمتی است که ارائه میکنند و

زیاد کردن بر قیمت و یا دستمزدی است که طلب می‌نمایند .
 بهمین دلیل در هر جا که مقررات بیمه اجتماعی بموقع اجرا گذارده شود سندیکاهای آن چنانی عملاً فلسفه وجودی خود را از دست می‌دهند و تنها بصورت عامل نظارت کننده‌ای در مورد طرز اجرای مقررات بیمه اجتماعی درمی‌آیند .
 سندیکاهای عملاً مراقب آن هستند که کارگران را از کارخانه اخراج نکنند . در موقع حوادث و سوانح حقوق قانونی آنها را بپردازند .
 در مورد سندیکا هایی که جنبه صنفی دارد مهم ترین مسائل سندیکا مطوف بجلوگیری از رقابت و تقسیم عادلانه محیط کار است تا از تصادمات اعضای سندیکا جلوگیری شود و در موارد برخورد با مقایسات دیگر از حقوق عضو یا اعضاء سندیکا دفاع مینمایند .
 وقتی اینگونه مقررات را مورد بررسی قرار دهیم درمی‌یابیم ، فرض سندیکا آنست که اعضای آن گردآمده اند تا بتوانند موجودیت خود را در وضعی که دارند حفظ کنند و از آن چه هستند عقب تر نروند بعضی از سندیکاهای جدید بعضی از روشهای تعاونی را نیز بر عملیات خود افزوده اند و از نوعی روش تعاونی مصرف یا اعتبار نیز استفاده می‌کنند .
 روشهایی که سندیکاهای برای دفاع حقوق خود بکار می‌برند استفاده از امکانات قانونی است ، یعنی سندیکا سعی می‌کند به عنوان یک وکیل مدافع از حقوق اعضای خود دفاع کند و یا اعتراضات دسته جمعی است که در این مورد کوشش می‌شود تا از پشتیبانی افکار عمومی و رقابتهای سیاسی به نفع خود بهره برداری نمایند با توجه باین خصوصیات می‌توان گفت که هدف عملیات سندیکاهای اندیویدالیستی حفظ وضع موجود است که در کلمه بیمه خلاصه می‌شود یا بعبارت دیگر اگر بتوانند مقررات بیمه را در مورد خود معمول دارند توانسته اند وسیله مناسبی برای حفظ وضع موجود بدست آورند . به تعبیری دیگر ، اینگونه سندیکاهای موجودیت گروه

های مولد تنها در وضع سکونی (استاتیک) آن دفاع می کنند و به تحولات تکنیک و دیگر کونی های آینده و لزوم هم آهنکی با فعالیت های دیگر توجهی ندارند و به عبارت دیگر بجانب دینامیک موجودیت گروه های مولد توجه ندارند .

در حالیکه هر یک از گروه های مولد در جهان کنوایی از دو نظر در معرض تحولات سریع میباشند، یکی از نظر تکامل تکنیک و روشهای علمی و دیگری از نظر هم آهنکی با تحولات اقتصادی روشهای علمی و فنی و نیز روشهای توسعه اقتصادی در عصر ما با سرعتی دیگر کونی و تکامل می یابند که بر هر یک از گروه های تولید ، این دو عامل، بیشترین اثر را می گذارند .

بین صدسال تا پنجاه سال پیش اگر نجارها و یا کفاشهای اتحادیه صنفی و باصلاح کلی تر یک سندیکا می داشتند که تنها در پی بیمه وضع موجود آنها بود دیگر هیچ غمی نداشتند ، زیرا میتوانستند مطمئن باشند که با دفاع صنفی که از موجودیت خود میکنند تا آخر عمر کسب و کار خود را حفظ خواهند کرد . ولی اکنون زمان دیگری است . دستکاه ها بیاید آمده است که در یک روز می توانند با اندازه تمام هر اعضای صنف کفاش ، کفش تهیه کنند و بدون شک چنین دستکاه های تا دهسال دیگر جای خود را بدستکاه دیگر خواهد داد که اکنون نمی توانیم تصور آن را بکنیم از طرف دیگر فعالیت های اقتصادی دولت که بدنبال مقاصد سیاسی در حرکت است بر سه شئون اقتصادی بخش خصوصی تأثیر می گذارد سیاست اقتصادی دولت ها میتواند در جهت های یک صنف گمنام را یک باره احیا کند و یا در جهت های یک رسته قوی و غیر و مند را یکباره از میان بردارد و یا دیگرگون کند .

فرض کنید اکنون قریب صد هزار تاکسی در بعضی از شهر های بزرگ بکار مشغول است در صورتیکه دولت نیز برای تهییل رفت و آمد در حدود وجود آوردن قطار زیر زمینی می باشد . آیا سندیکای تاکسی رانان می توانند در برابر این تصمیم

دولت مقاومت کند و استدلال نماید که بوجود آمدن قطار زیرزمینی مانع کسب کار آنها خواهد شد. بنا بر این فعالیتهای اقتصادی این زمان بد و منبع قدرت بسته شده است که با سرعت در حال دگرگونی و تغییر است. سندیکاى عصر ما باید بتواند از منافع اعضاى خود در چنین حالت تغییر و تکامل سریع دفاع کند، باید در عین حال که با این گردش تند حرکت میکند بفکر سامان دادن آینده اعضاى خود باشد تنها کافی نیست که سندیکا شرایط امروز توجه داشته باشد بلکه باید بتواند شرایط فردا را نیز بحساب آورد و بهمین دلیل است که میکروئیم کافی نیست به بیمه وضع موجود بپردازد بلکه باید بتأمین وضع آینده توجه داشته باشد. روشهای اعتراض آمیز مبارزات سندیکائی باید جای خود را بروشهای پرتحرکى بدهد که از بصیرت کافی برخوردار باشد، شرایط فردا را درك کند و سازمانهای موجود را برای اشغال وضع فردا توشه بدهد.

سندیکای جدید و تأمین

سیاست اجتماعى ناسیونالیسم فلسفه وجودی سندیکاهارا دگورگون خواهد کرد. دیگر سندیکا بخاطر آن نخواهد بود که وضع موجود را حفظ کند بلکه دنبال کردن هدفهای عالیتری در برابر تشکیلات سندیکائی مطرح است. سندیکاهای ناسیونالیستی سازمانی است که موجودیت دستکاههای تولید را از جنبه نیروی انسانی در مسیر تحولات تکاملی تکفیک و در مسیر واقعیات سیاست ملی قرار میدهد و در چنین تاروپودی شرایط کار را برای اعضاء سندیکا و شرایط زندگی را برای خانوادههای آنان تأمین مینماید. اگر این ویژگیها برای سندیکا در نظر گرفته شود لازم است در طرز کار آن، سازمان داخلی و ارتباطی که با سازمانهای هدایت کننده دولتی دارد، تغییرات اساسی پدید آید.

طرز کار سندیکاها باید بزرگ دوراندیشی در مورد جامعه ای که در آن زندگی میکنند و حرفه ای که بدان اشتغال دارند استوار گردد.

تطبیق با سایر تحولات تکنیک بزرگترین وظیفه سندیکا های آینده را تشکیل میدهد.

سندیکاها باید توانایی آن را پیدا کنند که اعضای خود را برای کار در شرایط فردا آماده سازند و از این رو است که باید هر سندیکا با سازمان آموزشی مجهزی تبدیل شود، که وظیفه آموزش ضمن خدمت اعضای خود را به عهده گیرد.

چهره مخوفی را که صنعت در آغاز قرن بیستم به خود گرفته بود بر اثر تکامل تکنیک و احتیاج بکارگران متخصص تدریجا دگرگون میشود و از این رو به پیروی از تغییر چهره ی جامعه صنعتی، تکاملی نیز در چهره ی سندیکاها باید پدید آید.

در آغاز قرن بیستم کارخانه ها بر اساس تکنیکهای ساده سازمان بندی میداد و توده کارگران معمولاً با مهارتهای ناچیز بکار مشغول میشدند. از لحاظ مهارت غالباً بین کارگرانی که بکار مشغول بودند و بیکارانیکه در خارج بسر میبردند تفاوتی نبود و بهمین دلیل کارفرمایان همیشه میتوانستند با توسل بجرم به اخراج و جانشین کردن یک بیکاره خیابان بجای کارگر شاغل هدیه های سودجویانه خود را تعقیب کنند و این بهمین دلیل سندیکاهای اولیه بیشتر در صدد بودند که از حقوق کارگران در برابر تهدید اخراج دفاع نمایند.

آنچه را که چهره مخوف صنعت نامیدیم عبارت از همین جانشین شدن کارگران ساده و فاقد مهارت بود بجای اسناد کاران

ورزیده و ماهر که ویژه دوره‌های قبل از ماشینی شدن کارگاهها بود .

ولی تکمیل تکنیک پاردیگرچهره سازمانهای صنعتی را بود کارگران ورزیده و ماهر تغییر داده است و روز بروز از تعداد آنان را در کوچه و خیابان پیدا کرد، کاسته میشود. اگر تا دیروز کارگران باین دلیل کار خود را از دست میدادند که کارفرما مایل بود جای آنان را بکارگر ساده‌ای بدهد که دستمزد کمتر دریافت کند، امروز کارگران بدلیل آن کار خود را از دست میدهند که از مهارت کافی برخوردار نیستند.

وضع اعضا سندیکاها را عدم مهارت بیشتر از رقابت بیکاران تهدید میکند، بنا بر این سندیکاهای جدید باید با سازمانهای مجهز خود در صدد افزودن بر مهارت اعضا خود باشند و آنها را برای کار در کارگاههای جدید و با وسایل جدید تعلیم بدهند و آمادگی سازند.

برنامه دیگری را که سندیکاهای باید دنبال کنند، تطبیق دادن وضع سازمانهای تولید از جهت نیروی انسانی با نیازمندیهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه میباشد. سندیکاهای باید در اعضاء خود قدرت درك به وقتیت جهانی يك ملت را پدید آورند. حیات سندیکا جدای از حیات ملت نیست و تحولات زندگی سیاسی ملت بر جزئیات کار سندیکاهای تاثیر میگذارد.

زمانیکه سندیکاهای میتوانند حالت انزوا را برای خود فرض نکنند سپری شده است و سندیکاهای آینده واحد مستقلی بشمار نمیآیند، بلکه در حکم سازمانی هستند که باید با سازمانهای دیگر هم آهنگی و بستگی کامل داشته باشند اینک اعضاء هر

سندیکا در چه محیطی بتواند فعالیت کند، در چه شهرهایی بتواند
بسا زمان خود گسترش بدهند، چگونه عملیاتی را بتوانند تعقیب
کنند، هیچیک مسائلی نیست که در چهار دیوار داخلی سندیکا قابل
حل و فصل باشد.

وظیفه کلی يك سندیکا و چگونگی وجود فعالیت آن قبلاً
باید در چهارچوب سیاست ملی حل شود و سپس طرز اجرای
سیاست معین شده در کادر داخلی سندیکا مورد بحث قرار گیرد
دور شدن از حالت انزوا و پیوند یافتن با حیات سیاسی ملت
بزرگترین تحولی است که باید در کیفیت سندیکاهای پدید آید
این خصوصیت ایجاب میکند که سندیکاهای موقعت حرفه خود
را در چهارچوب سیاست کلی کشور مورد ارزیابی جدید قرار دهند
و با درک شرایط واقعی بطراحی کار آینده خود پردازند.

تمام این خصوصیاتی که برای سندیکاهای شمرديم این
حقیقت را روشن میسازد که سندیکاهای در حال انزوا و بوسيله
گردانندگان داخلی خود قادر با انجام وظائف خطیر و بزرگی
که برای آنان منظور شده است نمیتوانند.

این وظیفه يك دولت آشنا به سیاست ناسیونالیستی است که
بسا زمان دادن و هدایت سندیکاهای جدید را بعهده گیرد و این
واحدهای تشکیلاتی را بسازمانی مناسب درك تحولات ملی، فنی
و علمی تبدیل نماید و با فعالیت آن کاراءضاء و آسایش، خانواده
های آنان را تامین نمایند.